



در مورد تصویر بالا: اجرای موسیقی با صدای استاد رضا سقایی ((جشن فرهنگ و هنر-الشر سال ۱۳۵۳))

از راست: استاد فقید حسین سالم (کمانچه)-استاد محمد رضا کریمی (ضرب)-کامیار ایزد پناه (سنتور)-استاد فقید رامین دربندی (کمانچه)-استاد غلامرضا موساییان (ویلن)-استاد فروغی (ویلن)

عکس از آرشیو شخصی زنده یاد اسدالله خان باجلان

از دوستم در خرم آباد تشکر میکنم که این مطلب در روزنامه محلی آفتاب لرستان برای ما از طریق ایمیل ارسال کردند

به مناسبت یکمین سالگرد استاد پرافتخار کشورمان ایران برای شما و با همکاری دوستم در خرم آباد که از طریق ایمیل و به زبان روزنامه آفتاب لرستان که هفته نامه ای محلی می باشد برای ما ارسال شده زندگینامه استاد رضا سقایی را در ادامه مطلب برای شما بازگو میکنیم

مرگ رضا سقایی غریب تر از حیات

دردهایی که مثل خوره روح آدم را می خورد

روز پنجشنبه تیر ماه سال جاری مراسم سالگرد خواننده فقید لرستان، استاد رضا سقایی غریبانه تر از آیین تشییع پیکر ایشان در سال ۱۳۸۹ در قطعه هنرمندان خرم آباد برگزار شد. این مراسم که تعداد شرکت کنندگان در آن به ۳۰۰ نفر هم نمی رسید آن گونه غریبانه بود که حتی چهره های فاخر هنری، ادبی و فرهنگی استان هم به تعداد انگشتان دست در آن حضور نداشتند مهم تر از آنکه هیچ مسئول فرهنگی در مراسم حضور پیدا نکرد، قصد داشتم در این مقدمه بیشتر از این مظلومیت حرف بزنم، اما دلتنگی دلم اجازه نداد تا درباره خاک فضیلت کش لرستان حرف های بیشتری به میان بیاورم، فقط یاد آن گفته صادق هدایت افتادم که می گفت: در زندگی زخم هایی هست که مثل خوره روح آدم را آهسته در انزوا می خورد و می تراشد...

زندگی نامه

رضا سقایی از مطرح ترین خوانندگان اصیل موسیقی لرستان در دوران معاصر است که بسال ۱۳۱۷ خورشیدی در خرم آباد پا به هستی گذارد و دیده بر جهان بازگشود. کودکی را در خیاطی علی فاضل پور به شاگردی و کار مشغول می شود و از یازده سالگی فعالیت خود را آغاز می کند. در آن زمان که سن زیادی نداشت به همراه زنده نام فاضل

پور به کوچه باغهای خرم آباد می رفت و هنگام قدم زدن به تمرین و خواندن می پرداخت. پس از چندی آقای حمید ایزد پناه ریاست وقت فرهنگ و هنر از شاگرد خیاطی جوان و خوش صدا خبر می شود.

ایزد پناه برای دیدن جوان خوش صدا به خیاطی فاضل پور می رود و پس از آنکه او را می بیند از وی می خواهد که برای او بخواند، بعد از آنکه ایزد پناه صدای سقایی را می شنود در مدت زمانی کوتاه او رابه اداره فرهنگ و هنر می آورد و سقایی در آنجا تمریناتش را با نوازندگان فرهنگ و هنر آغاز می کند. پس از کسب تجربیات لازم در باب موسیقی محلی کنسرت های متعددی در شهرهای لرستان به مناسبت های مختلف با همراهی ارکستر فرهنگ و هنر اجرا می کند که سر آغازی می شود برای جدی تر گرفتن این هنر.

آقای ایزد پناه در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۴۴ با ارسال نامه ای به فرمانداری کل لرستان تقاضا می کند که از طریق وزارت اطلاعات آن روزگار برای اعزام هنرمندان بومی لرستان به تهران و اجرای آهنگها و ترانه های لری از رادیو ایران اقدام کنند. همزمان با همکاری دو نفر از موسیقیدانان خرم آباد آقایان علی محمد صالحی و محمود مدیری، یک گروه شش نفره از هنرمندان آماده اجرای برنامه می شوند. فرمانداری کل رونوشت تقاضا را با تأیید و اظهار نظر مثبت به وزارت اطلاعات می فرستد. یک ماه بعد و در ۲۶ اردیبهشت همان سال، برای نخستین بار از هنرمندان لرستان برای اجرای برنامه در رادیو ایران دعوت می شود. از بین هنرمندان روانشاد حسین سالم (کمانچه نواز) و منصور سالم (ضرب) به همراه رضا سقایی به عنوان خواننده انتخاب شده و به فرمانداری کل آن روزگار برای رفتن به تهران معرفی می شوند. در همان سال شورای موسیقی رادیو، دو ترانه لری را انتخاب کرد که به وسیله هنرمندان اعزامی اجرا و صدابرداری شد و سرانجام برای نخستین بار در روز جمعه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۴۴ ترانه های لری از شبکه سراسری رادیو ایران پخش و مورد توجه شنوندگان در ایران قرار گرفت به طوری که در شهریور همان سال بار دیگر از سوی مدیر کل رادیو ایران از فرمانداری کل لرستان درخواست می شود تا گروه دیگری برای اجرای برنامه های لری به رادیو

ایران اعزام شوند. از جمله ترانه های اجرا شده گنم خر(گندم خر)با شعر آقای نورالدین سلاهورزی بود که توسط سقایی برای نخستین بار از رادیو سراسری ایران اجراشد.

پس از چندی ترانه های گنم خر، کوش طلا(کفش طلا) و چند ترانه دیگر که توسط وی اجرا شده بود با ضبط در صفحه هی گرامافون در بازار عرضه شد. آقای حشمت الله شفیعیان شاعر و از دوستان نزدیک و صمیمی آقای رضا سقایی درباره او و آثارش چنین می گوید:سقایی از نادرترین خوانندگانی بود که به علت دقتی بودن در انتخاب شعر و آهنگ، آثاری که اجرا می کرد در زمان خودش بهترین بودند و در اوج فعالیتش هیچ کس نتوانست مانند او و حتی موازی وی در عرصه موسیقی فعال باشد. سقایی لرستان را به ایران شناساند. آقای شفیعیان می افزاید: سقایی در سال ۱۳۵۰ اثری به نام تفنگ را از سروده هایم با آهنگسازی و خوانندگی خودش اجرا کرد، پس از عرضه، اثر با استقبال روبرو شد و در سال ۵۴-۱۳۵۳ به صورت کاست درآمد و باعث گردید که وی به عنوان خواننده ای پرقدرت با صدایی پخته مطرح شود. سقایی پس از سال ۱۳۵۰ ترک دیار می کند و راهی پایتخت می شود. در پایتخت چند جلسه ای در کلاس های آواز استاد فقید اسماعیل مهرداد حضور می یابد و فعالیت های موسیقایی گسترده تری آغاز می کند. سقایی در سال ۱۳۵۳ اثر دیگری را به نام دالکه(مادر) با شعر شفیعیان اجرا می کند که این ترانه مانند دیگر آثارش مقبول نظر هنردوستان می افتد. وی در پایتخت با جاوید نام مجتبی میرزاده آشنا می شود که این دوستی سبب می گردد آثار بسیاری از جمله کاستهای چون (قدم خیر) و (موتورچی) را تنظیم، اجرا و عرضه کنند. همکاری هنری اش با هنرمندان عرصه موسیقی متداوم و پایدار می ماند تا زمانی که برای عمل و درمان لوزه در سال ۱۳۵۷، حنجره خود را به تیغ جراحان می سپارد. پس از عمل تارهای صوتی وی آسیب می بیند و موجب می شود دیگر هرگز نتواند بخواند.

از برخی ترانه های معروف که توسط آقای رضا سقایی اجرا شده است می توان به (زندگی) با شعر خانم هما میر افشار و برگردان آقای حمید ایزد پناه-(آسمان) با شعر عزت الله فولادوند و آهنگسازی سقایی-(شاه داماد، رفتم به

صحرا، هالو و گنم خر، فرشته، دوستم تو قایق) با اشعار نورالدین سلحورزی و آهنگسازی سقایی با تنظیم زنده یاد عیسی سپه‌وند- (خوار و تنها) با شعر ناصر رحیم زاده و آهنگسازی رسول فرید- دالکه (مادر) و (پیاله) با شعر حشمت الله شفیعیان- دایه دایه میری، بزرانو ... با اشعار و آهنگهای قدیمی با تنظیم جاوید نام مجتبی میرزاده و اجرای چندین وچند ترانه و تصنیف فارسی اشاره نمود.

این نغمه خوان نامی، سال ۱۳۶۶ بر اثر ترکشی که در جریان بمباران بعثی عراق به ناحیه سرش در شهر ازنا اصابت می‌کند با ۴۵ درصدی آسیب دیدگی به درجه جانبازی نائل می‌شود.

این عن لیب موسیقی پس از چند دهه خاموشی در سال ۱۳۷۸ در یک مصاحبه مطبوعاتی با نشریه حرف لر به سردبیری حشمت الله شفیعیان سکوت چند ساله اش را می‌شکند تا مردم با زندگی اش بیشتر آشنا شوند.

پس از عمل جراحی سال ۱۳۵۷ سقایی در دیماه ۱۳۸۲ در جریان ضایعه غم انگیز و اسفناک زلزله بم برای دقایقی بر روی سن حضور پیدا می‌کند و با ابراز همدردی، برای جمع آوری کمک به هموطنان آسیب دیده بم لحظاتی برایشان مویه سر می‌دهد. ترانه دایه دایه که از ترانه های حماسی و معروف لرستان شمار می‌آید با تنظیم زنده یاد میرزاده و آوای ماندگار و جاوید موسیقی ایران ثبت گردیده و به عنوان ترانه ای ملی زبانزد است.

صدای دل انگیز و استعداد فوق العاده و ذاتی این هنرمند در اجرای تحریر (چهچه) و تلفظ کردن درست کلمات در اکتاوبالا (اوج) هنگام خوانندگی را می‌توان از ویژگی های بارز این خواننده دانست

مجموعه قدم خیر در سال ۱۳۸۲، مجموعه ((تفنگ)) در سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۸۳ و مجموعه (موتورچی) در سال ۱۳۸۵ برای علاقمندان به موسیقی های محلی و فولکوریک عرضه شدند. این هنرمند از زنده که آوایش گویای غم ها و شادی ها و طنین کوهها و دشتهای لرستان است، در اسفندماه ۱۳۸۵ بر اثر سکته مغزی توانایی خود را از دست داد و تا

آخرین دقایق حیات در برابر بیماری دوام آوردتا اینکه سرانجام در ۲۷ تیرماه ۱۳۸۹ روانه سرزمین یادها و خاطره ها گردید. آرامگاه این استاد فقید در قطعه هنرمندان قبرستان عمومی خرم آباد واقع می باشد

اما چرا در زمان قبل از انقلاب این همه ترانه از استاد رضا سقایی پخش می شد اما بعد از انقلاب نقش استاد و آهنگهایش کمرنگ شد چرا در صدا و سیما پخش نشد چرا مسئولین بعد از مرگ او به فکر افتادند که آهنگهای او را برای سود خودشان به مردم بفروشند

روحش شاد و یادش گرامی باد